

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۷ می ۲۰۲۴

واقعیت های پنهان در عقب ادعاهای فریبنده!

(۱)

دوشنبه- ۱۷ ثور ۱۴۰۳ - کابل: در آغاز بحث می پردازیم به بیان ادعاهای دو طرف یعنی مردمان ولسوالی های درایم، ارگو و جرم، و آنچه طالب ادعا می نماید:

تا جایی که از گزارشات رسانه های داخلی و خارجی بر می آید، باشندگان ولسوالی درایم و به تعقیب آنها باشندگان دو ولسوالی دیگر ادعا دارند که طالبان بر «زنان و حریم خصوصی شان تجاوز کرده اند- سپوتنیک»، همین ادعا ها در ویدیوهایی که از طریق فیسبوک منتشر شده و بی بی سی آنها را همگانی ساخته، زیر عنوان "ورود افراد طالبان به خانه های آنها" بیان شده است.

طرف مقابل باشندگان آن ولسوالی ها یعنی طالب از زبان "عبدالمتین قانع، سخنگوی وزارت داخله افغانستان در شبکه اجتماعی ایکس" موضوع را چنین بیان می دارد: "فرمان رهبر طالبان در مورد ممنوعیت کشت خشخاش واضح است و پولیس مکلف به تطبیق آن است" همچنین سخنگوی قوماندانی امنیه ولایت بدخشان عین ادعا را چنین بیان می دارد «تحرک و سوءاستفاده تعدادی از افراد از چند دهقان و زارعین کشت خشخاش باعث بروز درگیری بین نیروهائی که موظف به تخریب بودند با زارعین شده است.» بی بی سی

حال که گفته های هر دو طرف دعوا را خواندیم قبل از آن که واقعیت های پنهان در عقب تمام این تحرکات را بیان داریم، نخست مکث کوتاهی به ادعاهای دو طرف قضیه می نمائیم:

۱- این که باشندگان ولسوالی های معترض ادعا دارند که طالب به "حریم خصوصی آنها" یعنی خانه های شان تجاوز نموده، زنان را با قنداق تفنگ لت و کوب نموده اند، به همان اندازه که می تواند راست باشد و بیانگر برخورد ضد کرامت انسانی طالب با توده ها باشد، می تواند یک ادعای بسیجگر جهت تحریک مردم علیه طالب نیز باشد. این ادعا چه راست باشد چه فریبنده، یک نکته دیگر را نیز با صراحت کامل با خود حمل می نماید و آن اعلام مرگ شعار فریبنده و بسیجگر دهه های قبلی که گویا "اسلام در خطر است" می باشد.

چه آنهایی که امروز در بدخشان دست به اعتراض زده اند و چه آنهایی که فردا و یا پس فردا در گوشه دیگری از افغانستان علیه مظالم و جنایات طالب صدای اعتراض شان را بخواهند بلند نمایند، این نکته را به نیکوئی دریافته اند و

می دانند که شعار "اسلام در خطر است" نه تنها کهنه شده بلکه طالب به مثابه یک قدرت حاکمه جبار خود صاحب آن شعار شده و هیچ نیروی دیگری نمی تواند آن را از نزد طالب بر باید تا به وسیله آن مردم را علیه طالب بسیج کند. در همین جا بیجا نخواهد بود بیفزائیم، درک چنین واقعیتی بیشتر از همه نیروهای چپ و انقلابی-اگر تا هنوز به امر انقلاب وفادار مانده باشند- را فرا می خواند قبل از آن که نیروهای ارتجاعی با شعار های فریبنده و بسیجگر دیگری به میدان آیند، شعار بسیجگر خودشان را مطرح و برای آن کار نمایند.

۲- و اما این که طالب ادعا دارد که گویا مشکل برخاسته از تقابل مردم علیه فرمان "امارت اسلامی" در منع کشته خشخاش است، باز هم ادعای فریبنده ای بیش نیست. طالب خوب می داند که تحکیم پایه های قدرتش در اقصا نقاط افغانستان به مخالفت هائی مواجه خواهد شد، از همین رو بسیار آگاهانه برای هر منطقه از قبل دلیل و بهانه فریبنده ای را در انبان دروغش پنهان نموده است. این بهانه ها اگر زمانی مخاطب داخلی دارد زمانی هم مخاطبان منطقه ئی و بین المللی را هدف قرار می دهد. از جمله در این بهانه "یعنی مبارزه علیه کشت خشخاش" دقیقاً می خواهد در سطح جهانی برای کشتار و جنایاتش حامی و پشتیبان پیدا کند. یعنی به همان سان که دولت صهیونیستی اسرائیل و حامیان امپریالیستی آن در عقب مبارزه علیه "تروریسم حماس" خود را پنهان نموده، به کشتار خلق فلسطین علی رغم بیش از ۴۴ هزار کشته تا کنون با زهم ادامه می دهند، طالب هم می خواهد دستان خون آلودش را در عقب شعار فریبنده "مبارزه علیه کشت خشخاش" پاک و مقدس نشان دهد.

مردم افغانستان خوب می دانند که این ادعای طالب دروغ آنهم در حد دیده درائی است. زیرا این درست است که در دو دهه استیلای امپریالیسم جنایتگستر امریکا و شرکاء بر افغانستان، کشت خشخاش در اکثر ولایات افغانستان من جمله بدخشان و تخار نیز مروج شده بود. مگر واقعیت مسأله این است که هم در همان زمان و هم اینک، مرکز ثقل کشت و تولید تریاک و بقیه نباتات نشئه آور ولایات، هلمند، قندهار، ننگرهار و ارزگان بوده و می باشد.

ادعای طالب در زمینه مبارزه علیه کشت خشخاش زمانی می توانست صادقانه تلقی گردد که همزمان با منع کشت خشخاش در بدخشان، یک بار سری هم به ولایات هلمند، قندهار، ننگرهار، بخشهائی از لغمان و نیز می زد. قبل از آن که به بهانه مبارزه علیه کشت خشخاش به خانه های مردم در ولسوالی درایم بدخشان داخل می شد، به ولسوالی گلستان به سراغ آن پیر زنی می رفت که شجاعانه در مقابل تانک های انگلیس و امریکا سینه سپر ساخته، به هیچ یک آنها اجازه نداد تا وارد کشتزار سر حاصل تریاکش شوند.

مردم افغانستان این را می دانند که سران طالب اگر خود مستقیماً رؤسای باند های قاچاق مواد مخدر هم نباشند در تبانی با آنها و قسماً حمایت از آنها بستر این تجارت مرگ را فراهم نموده اند. -روشنترین سند در زمینه رهاساختن یکی بزرگان قاچاق مواد مخدر از زندانهای امریکا و آوردنش به امارات و افغانستان در سال قبل می باشد- مردم می دانند که وقتی طالب به صورت گزینشی از کشت تریاک در یک منطقه جلوگیری می نماید، هدفش مبارزه علیه مواد مخد نیست بلکه به اساس وابستگی قیمت ها به "عرضه و تقاضا" می خواهند تجارت مواد مخدر را به مانند قدرت سیاسی مطلقاً تحت کنترل خود در آورند یعنی از یک سو رقیب را از میان بردارند و از جانب دیگر، با محدود ساختن عرضه، قیمت ها را در سطح بالا ثابت نگه دارند. ادامه دارد

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!